

هو الله - لك الحمد يا الهى بما كشفت الغطاء ورفعت النقاب...

حضرت عبدالبهاء

اصلى فارسى



۱۷۸

هو الله

لك الحمد يا الهى بما كشفت الغطاء و رفعت النّقاب عن وجه الحقيقة لعبدك المبتهل الى ملكوت رحمانيتك المتضرّع الى جبروت فردانيتك و هديته الى معين الهدى و سقيته كاساً دهاقاً من صهباء الوفاء و رفعت الغشاء عن الأعين الرمّداء حتى رأيت آياتك الكبرى السّاطعة على الأرجاء ربّ أيده على الثبوت فى المنهج البيضاء و الاستقامة على هذا النّبأ العظيم الذى نشر الجناح على الآفاق فى يوم الميثاق انك انت الكريم و انك انت الرّحيم و انك انت الهادى لكلّ قلب سليم.

ای مفتون حقیقت شکر کن خدا را که شبهات زائل و اوهام محتجبین باطل و نور حقیقت ساطع گردید. حزب محمود چون سطوع انوار و ظهور اقتدار و شیوع آثار و نفوذ کلمة الله در اقطار دیدند از حفرة نمود و نحول درآمدند و آرزوی اوج قبول مینمایند. جمیع اهل اصفهان واقف و مطلعند که رئیس آن قوم در حضور عموم بر فراز منبر به صریح عبارت تبری از حضرت نقطه اولی روحی له الفداء به اقبیح عبارات نمود و همچنین سلیل آن شخص در این ایام در روزنامه چهره نما بکلی انکار و استکبار نموده و شخص غیر حضور چهل سال است که در جزیره مزبوره در نهایت نحول و محمود بوده نه نامی و نه نشانی و نه نصرتی و نه اعلائی. سبحان الله در مدت چهل سال نفسی را دلالت نکرد حتی از تربیت خانواده خویش عاجز ماند با این عجز و ضعف که در ایام خوف و ترس مخفی و مستور و در دشت و صحرا سرگردان و مخدول اوقات میگذراند و جمال اهبی روحی له



ORIGINAL



AUDIO

الفداء در عراق و ایران و استامبول و رومی و ارض مقدّسه در سجن اعظم در نهایت اقتدار مقاوم جمیع امم بودند در زیر زنجیر و شمشیر اعلاء کلمة الله فرمودند و شرق و غرب به حرکت و اهتزاز آوردند. چون طیور لیل این عزّت امر الله را دیدند مغتم شمردند و بدین واسطه باز در سرّ سرّ به پنهانی از یار و اغیار القای شبهات نمایند که ما اصلیم و فرع و اساس این امریم از قبل و بعد و بدین وسیله بی خبران را پریشان کنند و بی خردان را به عالم نسیان اندازند. مثلی است مشهور اگر کعبه بعید است مسجد نزدیک است. سر گذشت این شخص از بدایت امر تا امروز و تفصیل حال و حرکت جمال مبارک در جمیع بلدان و دیار معروف و مشهور این دو را قیاس نمائید.

و از این گذشته کلمات غیر حصول و مکاتیب او در دست اهل فتور است این نوشتجات را با آثار جمال مبارک مقابله نمائید تا حقیقت حال معلوم و مشهود شود و اگر به عین انصاف در بیان ملاحظه گردد به صریح عبارت جمیع ذکر جمال مبارک است و از احکام بیان مقصود اجرا و انفاذ نبوده بلکه مقصود ذکر من یظهره الله و نعت و ستایش او بوده چنان که در هر باب و فصلی منتهی به ذکر آن جوهر وجود میگردد و اگر این نبود بیان را چه ثمره و نتایجی بود؟ انصاف باید داد. از جمله احکام بیان ضرب اعناق اهل آفاق و حرق جمیع کتب و صحف و زیر و اوراق و فتح شرق و غرب و هدم بقاع مرتفعه. آیا این احکام در این عصر ممکن الوقوع است؟ لا والله. بلکه مستحیل و محال پس نظر در کتاب اقدس نمائید که جمیع احکام مانند روح در جسم امکان است و چون جمیع طوائف و ملل اطلاع یابند و لو ایمان نیاورند فریاد برآرند هذا هو العدل و هذا هو الموافق لهذا العصر و هذا هو روح هذا القرن، چه برهانی اعظم از این؟

الحمد لله امر الله علم وحدت عالم انسانی در قطب امکان برافراخته و خیمه عمومیت بشری و مساوات تامّ و مواسات حقیقی بلند گردیده بغض و عداوت ملل به الفت و محبت مبدل شده سیف و سنان معطل جنگ و جدال محرم شده بنیان بیگانگی برافتاده رایت یگانگی برافراخته دشمن دوست گردیده بیگانه آشنا شده دور نزدیک گردیده مهجور و محروم به ایوان در آمده. حال ملاحظه فرما چنین قوتی را که روح عالم و محرک امم است آیا میتوان مقاومت نمود؟ لا والله، انّ هذا هو البیان المرصوص و انّ هذا هو الاساس المتین لا تزغره قوآت من علی الأرض اجمعین و علیک البهء الأبهی. ع ع

